



بخشیدن بخشی از خاک ایران به دست یک عامل رژیم اشغالگر

مهر ماه ۲۵۸۵

در پی پخش گزارش‌هایی در رسانه‌ها و گفته یکی از نمایندگان مجلس درباره بخشیدن ۱۱۰ هکتار از زمین‌های چابهار به افغانستان، این نوشته برای آگاهی همگانی و بیان روشن و استوار مخالفت با بخشیدن بخشی از خاک ایران به بیگانگان نوشته می‌شود. محسن زنگنه، نماینده دست‌نشانده رژیم انیرانی از تربت حیدریه، که عنوان پر تمتراغ رئیس کمیسیون ویژه اصل ۴۴ را نیز به یدک میکشد، به خیال خود خبر خوش داد که با مذاکره با وزیر صنایع افغانستان موافقت کرده است تا ۱۱۰ هکتار زمین‌های چابهار به افغانستان واگذار شود تا، بعنوان بخشی از خاک افغانستان، از آن برای بندر استفاده کنند. این نوع اظهارات ناشیانه نشانی از نادانی، بی‌لیاقتی، بی‌کفایتی، بی‌قانونی و هرج و مرج در مدیریت این رژیم بی‌میهن در نیم سده گذشته و در هم ریختگی و پریشانی سرمداران آن از ترس از اراده ملت ایران در براندازی رژیم در آینده نزدیک است؛ گرچه پیرو واکنشهای گسترده، این نماینده وادار به عقب‌گرد شد. خاک ایران دارایی شخصی هیچ فرمانروا، دولت، گروه یا دستگاهی نیست. فرمانروایان و کارگزاران کشور، نگهبانان و گردانندگان کارهای همگانی‌اند؛ نه صاحب سرزمین ایران. جایگاه آنان هرگز به آنان حق تملک بر خاک ایران را نمی‌دهد.

ایران؛ دستاورد هزاران سال زیستن، رنج بردن، کوشیدن و جان فدایی نیاکان ماست. خاک این سرزمین، دارایی گذرای یک فرمانروایی یا دستمایه دادوستد نیست؛ میراث همگانی ایرانیان و سپرده‌ای برای آیندگان است. یکپارچگی سرزمین ایران نه تنها در ایجاد تمدنی کهن موثر بوده است بلکه رل گهواره تمدن برای گسترش آن به نقاط دیگر دنیا را داشته است.

از دیدگاه داد و آیین کشورداری، یکپارچگی سرزمینی و آزادگی ایران از پایه‌های بنیادین کشور است. از این‌رو، بخشیدن یا سپردن بخشی از خاک ایران به بیگانگان را نمی‌توان کاری ساده و پذیرفتنی دانست؛ زیرا سخن از سرزمینی است که حق مالکیت آن با همه نسل‌های ایران پیوند دارد.

ما مخالفت سخت خود را آشکارا اعلام می‌کنیم و هرگونه بخشیدن خاک ایران را غیر قانونی و مخالف منافع ملی و اصل ناگسستگی یکپارچگی ایران میدانیم.

هیچ فرمانروا و هیچ کارگزاری مالک ایران نیست. هیچ جایگاه فرمانروایی، حق بخشیدن میراث یک سرزمین را پدید نمی‌آورد. هیچ نوشته، فرمان یا پیمانی نیز نمی‌تواند این اصل را دگرگون کند که خاک ایران از آن پیوستگی تاریخی ایرانیان است و حق آیندگان نیز در آن نهفته است.

این دادخواهی به معنی دشمنی با مردم افغانستان نیست. ایرانیان و افغان‌ها از پیوندهای دیرینه زبانی، فرهنگی و تاریخی برخوردارند. این نوشته، دادخواهی آرام، استوار و همگانی برای پاسداری از خاک ایران است؛ دادخواهی‌ای که نه از سر دشمنی با هیچ مردم و کشوری، بلکه از سر پاسداری از ایران و حق نسل‌های آینده بیان می‌شود.

ایران یادگار نیاکان، خانه امروز و سپرده فرداست.

سازمانهای هموند جبهه هم‌آهنگ مبارزان ایران:

ایرانو، انجمن ایران در دالاس، انجمن ایرانی برای صلح و آزادی و عدالت، انجمن پزشکان پادشاهی خواه ایران، انجمن زنان پارسی در سوند، انجمن فرهنگ ایران زمین، بنیاد اروپایی زرتشت شناسی، تشکیلات لوس آنجلس-ایران، پشتیبانان جنبش دموکراسی در ایران، پیمان برای دموکراسی، جمعیت آزادیخواهان ایرانی در فرانسه، جمعیت ایرانیان مبارز (جام)، جمعیت خرد پیشگان ریشه‌ای، جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران، جنبش زنان ایران، حزب ایران نوین-سیاتل، حزب دموکرات مردم ایران، رادیو آزادگان-سوند، سازمان ایران پاد، سازمان پیام، حزب پان ایرانیست، سازمان رهایی ایران، سازمان زنان خاورمیانه، سازمان حقوق بشر برای آزادی زندانیان سیاسی، سازمان سرباز، سازمان سکولارهای دموکرات ایران، سازمان مشروطه خواهان ایران پادشاهی، سازمان مشروطه خواهان بلوچ، سازمان ملی میهنی ایران، سازمان نگهبانان ایران جاوید، سازمان نظم نوین ایرانیان، سازمان نهال، سازمان همبستگی زنان ایران، سازمان هواداران مشروطه پادشاهی- جنوب فرانسه، شورای اتحاد و همبستگی نیویورک، فرهنگستان جهانی کوروش بزرگ، کانون خرد، کنگره همبستگی ایرانیان، نگهبانان یکپارچگی ایران، همبستگی ملی ایرانیان (هما).